

سپاس از دانشجویان فعالی که در انجام به موقع فعالیت‌های گفته شده شرکت دارند.

بحث این جلسه را اختصاص به سبک‌شناسی زبان کودکان می‌دهیم به دلیل آنکه شما عزیزان به امید خدا سال‌های متمادی با این قشر از جامعه انسانی سر و کار خواهید داشت و آشنایی با آن برای شما یک ضرورت است. (بحث حاضر را با تکیه بر داستان انجام می‌دهیم).

داستان‌هایی که برای کودکان (منظورمان از کودک رده‌های سنی ۷ تا ۱۲ سال است) نوشته می‌شود، دارای سبک و متد ویژه‌ای است. به گونه‌ای که کودکان به هنگام شنیدن و خواندن آن، جهان واقعی را که کلمات داستان نماینده آن است، بازسازی می‌کنند. در جریان این فرایند است که ناهماهنگی بین جهان واقعی و کلمات داستان برای کودکان به شکل جدیدی آشکار می‌شود. این ناهماهنگی، نخستین جرقه‌های هنجارگریزی خلاقانه را برای کودکان به ارمغان می‌آورد. خلاقیت در این بخش تا جایی مثبت است که بتواند از تکرار مضامین و بن‌مایه‌های گفته شده رها شود؛ به عنوان نمونه همه ما داستان چوپان دروغگو را بارها شنیده‌ایم، اما لذتی که در نخستین شنیدن برده‌ایم در دفعات بعدی نبوده است؛ عامل این امر، تکرار مضمون و بن‌مایه داستان روی یک خط فکری ثابت بوده است. در حالی که اگر نویسنده‌ای همین داستان تکراری را بتواند با خلاقیت بازآفرینی کند، شنیدن مجدد آن برای ما هم جالب خواهد بود.

پس اولین نکته‌ای که در ارتباط با زبان کودکان باید در نظر داشته باشیم، نوآوری و ابتکار در آن است. نباید از کلمات کلیشه‌ای و تکراری و تکیه کلام‌هایی که ذهن کودک را آزار می‌دهد در آموزش استفاده کنیم؛ جالب است که بدانید بر اساس تحقیق زبان‌شناسان، زبان کودک صورت محور است نه معنا محور؛ یعنی او بیشتر از لفظ کلمات استفاده می‌کند و معنای کلمات زمانی برایش روشن می‌شود که در سنین بالاتر قرار بگیرد. به همین دلیل است که کودکان اغلب از کنایه بی‌خبرند و مثلاً اگر به آنها گفته شود: از انجام فلان کار چشم‌پوشی کن یا اجازه نده کسی کلاه سرت بگذارد و ... او فقط ظاهر لفظ‌ها را درک می‌کند و به معنای کنایی عبارات مزبور آگاهی ندارد.

نکته دوم آنکه واژه‌ها و عبارات دشوار، پیچیده و طولانی موجب می‌شود فهم کودک به تأخیر افتد و لذت درک را از او بگیرد، پیشنهادی که پژوهشگران در ارتباط با حل این معضل ارائه می‌دهند، استفاده از زبان تصویر است. زبان تصویر علاوه بر آنکه به ساده‌نویسی و ساده‌گویی کمک می‌کند، چند مزیت دیگر هم دارد:

۱- تلخی سخنان جدی را می‌گیرد. (پس در به کارگیری سخنان جدی سعی کنیم از زبان تصویری استفاده کنیم. منظور از سخنان جدی: پندها، نصیحت‌ها، سرزنش‌ها و اوامر و دستورات است. تصویر سکوت در

بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، تصویر کودکی که چیزهای زاید را درون سطل زباله می‌ریزد، یا کودکی که دست و صورت خود را می‌شوید و مسواک می‌زند، بهترین مثال در این باب است.)

۲- ذهن کودک و تیزبینی او را پویا و فعال می‌کند؛ به طوری که هر تصویر به دلیل آنکه خود یک متن دیداری به شمار می‌آید می‌تواند سرشار از خلاقیت و آموزش باشد و مفاهیمی را که درک معنای آنها برای کودک سخت است به سادگی آموزش دهد. آموزش و یاددهی علائم راهنمایی و رانندگی از طریق زبان تصویری نمونه‌ای از این مفاهیم است.

با توجه به مطالب گفته شده است که روانشناسان یادگیری، کودکان را به گروه سنی الف (پیش‌دستانی و اول ابتدایی)، گروه سنی ب (۸ تا ۱۰ سال) و گروه سنی ج (۱۰ تا ۱۲ سال) تقسیم می‌کنند.

پژوهش‌های آنها نشان می‌دهد که گروه سنی الف مطالب را بیشتر به زبان شعر و با موسیقی درک می‌کنند، منظور ما از شعر در اینجا ریتمیک بودن مطلب است نه داشتن وزن عروضی و قافیه. در این گروه اگر آموزش مطلب با تصویرهای متحرک و ثابت همراه باشد، آموزش کودک سریع و عالی خواهد بود. آموزش فصل‌ها با استفاده از تصاویر مجازی متحرک یا تصاویری که روی کاغذ کشیده می‌شود، نمونه‌ای از این یادگیری است.

شیوه دیگر برای آموزش در این رده استفاده موزیکال از زبان حیوانات، گیاهان و سایر پدیده‌های طبیعی است. به جای آنکه در این رده به کودک بگوییم: شب بود، در آسمان مهتاب می‌درخشید و ستارگان را به جشن مهمانی خود دعوت کرده بود... می‌توانیم بگوییم، من ماه آسمانم...

به یاد داشته باشیم ارزش رنگ در یادگیری به اندازه موسیقی است؛ همانطور که موسیقی گوش را مینوازد و مطالب را از طریق شنیدار به کودک و ذهن او تلقین میکند، رنگ نیز با چشم انسان همان کار را انجام داده و آموزش دیداری را توسعه می‌بخشد.

در گروه سنی ب آموزش درجه‌ای رشد یافته‌تر می‌گردد، به عنوان مثال در این دوره است که کودکان در قبال شنیدن جمله آغازگر و استارتر معروفی که همه به هنگام قصه و داستان خوانی شنیده‌ایم-یکی بود، یکی نبود- دچار ابهام نمی‌شود. دلیل این امر آن است که کودک در این رده سنی مفهوم زمان و مکان را باز می‌شناسد؛ پس به هنگام آموزش در این رده می‌توان از فضا سازی زمانمند و مکانمند استفاده کرد.

به عنوان مثال اگر به کودک رده الف بگوییم در زمان‌های قدیم در اردبیل پری کوچکی زندگی میکرد، فقط خود را خسته کرده‌ایم؛ چون کودک درکی از زمان قدیم و مکان جغرافیایی شهر اردبیل ندارد، در حالی که آموزش این جمله برای کودکان رده ب بسیار آسان و سهل است.

همچنین باید گفت در این رده هم از زبان پدیده‌های طبیعی و جانوران برای آموزش استفاده می‌شود با این تفاوت که تخیل در این رده بیشتر از گروه سنی الف خواهد بود. مثلاً اگر از زبان یک آدم برفی یا یک

مترسکی که از برف و چوب درخت به عنوان پدیده‌های طبیعی ساخته شده‌اند، به کودکان شیوهٔ مقابله با آنفلوآنزا، سرماخوردگی، کرونا و ... یا حفاظت از محیط زیست، درختان و گل‌ها را آموزش دهیم، هم زبان یادگیری کودک را تقویت کرده‌ایم و هم آموزش خود را به نقطهٔ مثبت رسانده‌ایم.

اما در ردهٔ سنی ج، می‌توان از داستان‌ها و قصه‌هایی استفاده کرد که از پیرنگ، شخصیت‌پردازی، زاویهٔ دید، اوج، گره، انتظار، تمثیل، کنایه، حکایت، طنز و لطیفه برخوردار باشد. به همین دلیل است که متن داستانی و قصه‌های این رده طولانی‌تر از دو ردهٔ قبلی است. داستان‌های شاهنامه، مثنوی، کلیله و دمنه، روایت زندگی انبیا و ائمه از مواردی است که می‌توان در این گروه بازخوانی کرد و یادگیری زبانی و ذهنی را تقویت نمود.

داستان‌های گروه ج دارای موضوع، پیام، پیرنگ (طرح یا هستهٔ اصلی داستان)، شروع، گره افکنی (موقعیتی که پیرنگ داستان را دگرگون می‌کند)، شخصیت‌پردازی و پایان است.

کامروا باشید.

صابری‌نیا

فعالیت ۳: یکی از داستان‌های کتاب درسی، یا داستانی معروف از کتاب‌های غیر درسی را از نظر زبانی در دو برگ تحلیل کنید.